



نشریه الکترونیکی موبک فرهنگی رسانه‌ای عطش

دوره هفتم / شماره چهارم / مرداد ۱۴۰۵ / صفر ۱۴۴۸ / کربلای معلی

atash.media

عشقی که ترس را

از میان برداشت / ۳

جاده‌ای که هر سال

صدایم می‌زند / ۴

اربعین؛ همدردی با

کاروان اهل بیت / ۳

از حسین تا پیوند دل‌ها / ۴

ادای دین با قدم‌های اربعینی / ۲

از قتلگاه تا اربعین

چهل روز از آن ظهر خونین گذشته است؛ چهل روز از لحظه‌ای که حضرت زینب (س)، برادر را بی‌سر بر خاک دید و داغی بر دلش نشست که وسعت آن را تنها خدا می‌دانست. چهل روز است که بانوی صبر، با قلبی آکنده از اندوه و قامتی استوار، بار مصیبت حسین (ع) را بر دوش می‌کشد؛ نه فقط در فراق برادر، که در غم کودکان بی‌پناه، کاروان اسیران و تمام داغ‌هایی که از کربلا تا شام، لحظه‌ای رهاپیش نکردند. چهل روز فراق؛ چهل روز داغ بی‌برادری؛ چهل روز همنشینی با آفتاب سوزان غربت...

چهل روز است که زینب (س)، هر شب، نام حسین را در غربت خویش زمزمه می‌کند و هر صبح، داغ بی‌برادری را بر شانه‌های صبورش حمل می‌کند.

چهل روز است که زینب (س)، چشم از آن گودال خونین برداشته؛ گودالی که پیکر بی‌سر حسین را در آغوش گرفت و آسمان را به سوگ نشاندد.

چهل روز است که زینب (س)، از خاطره آن لحظه می‌سوزد؛ لحظه‌ای که برادر را بر خاک دید و صدای غربت او را در سکوت دشت شنید.

چهل روز است که زینب (س)، جسارت یزیدیان را مرور می‌کند؛ آن‌گاه که حرمت خاندان پیامبر (ص) را شکستند و بر داغ‌دیدگان کربلا، زخم اسارت افزودند.

چهل روز است که زینب (س)، با کاروانی از کودکان داغ‌دیده و دل‌های شکسته، راه اسارت را پیموده و نام حسین را از کربلا تا کوفه و شام، فریاد زده است.

اما زینب (س)، در میان آن همه داغ، پناه کودکان حرم بود؛

در این چهل روز حضرت زینب (س)، هر گام را با نام حسین (ع) برداشت و هر اشک را برای غربت برادری ریخت که پیکرش بر خاک ماند و سرش بر فراز نیزه‌ها رقت. و امروز در آستانه اربعین حسینی به میهمانان برادر می‌نگرد، دست بر سینه می‌گذارد و با چشمانی اشکبار، به استقبالشان می‌رود.

امروز حضرت زینب (س)، با تمام داغ‌هایش، به کاروان عاشقان خوش‌آمد می‌گوید و زیر لب زمزمه می‌کند: «سلام بر شما که آمدید؛ سلام بر قدم‌هایتان که غبار راه حسین را بر چشم‌های ما نشاندد. سلام بر دل‌هایی که پس از قرن‌ها، هنوز برای حسین می‌تپند.»

خوشا به حالتان که در اربعین حسین، به دیدار برادرم آمده‌اید؛ خوشا به حال قدم‌هایتان که در راه او خسته شد و خوشا به حال دل‌هایتان که عشق حسین، شما را از دورترین راه‌ها به کربلا کشاند. مگر نشنیده‌اید که جدم رسول خدا (ص) بر زائر حسین سلام می‌فرستد و خداوند، گام‌های زائرش را بی‌پاداش نمی‌گذارد؟ برای هر قدمی که در این راه برداشتید، حسنه‌ای نوشته و گناهی از شما زدوده شد؛ و چه بسیار قدم‌هایی که شما را به رستگاری نزدیک‌تر کرد. خوشا به حالتان که زیارت اربعین را زنده نگه داشتید؛ همان زیارتی که نشانه ایمان و عهد عاشقان با حسین است. شما تنها به دیدار مزار برادرم نیامده‌اید؛ آمده‌اید بگویید حسین، پس از قرن‌ها، هنوز تنها نیست؛ آمده‌اید تا با قدم‌هایتان، راه او را ادامه دهید و با اشک‌هایتان، بر غربتش مرهم بگذارید.

پس خوشا به حالتان، ای زائران حسینم... خوشا به حال شما که خداوند، نامتان را در شمار زائران برادرم نوشت؛ شما که در اربعین، به کربلا آمدید و با هر قدم، سلامی به حسین رساندید...»



ادای دین با قدم‌های اربعینی

عراق است. آن‌ها هرچه دارند، بی‌هیچ چشم‌داشتی در طبق اخلاص می‌گذارند. شاید خانواده‌ای از نظر مالی در تنگنا باشد، اما همان اندک دارایی خود را با افتخار به زائران تقدیم می‌کند.

هنوز صحنه‌ای را فراموش نکرده‌ام که بانویی عراقی با اصرار و اشک از ما می‌خواست مهمان خانه‌اش شویم و می‌گفت: «به خدا خاک کفش زائران امام حسین(ع) را سرمه چشم‌انمان می‌کنیم.» این میزان از محبت، تواضع و احترام، انسان را متحول می‌کند و باعث می‌شود هر سال با شوق بیشتری به این مسیر بازگردد.

در این سال‌ها با خانواده‌هایی از مردم عراق آشنا شده‌ایم که هنوز هم ارتباطشان با آن‌ها ادامه دارد. هر سال برایمان پیام می‌فرستند و با محبت می‌گویند: «چرا دیر کردید؟ چرا نمی‌آیید؟» و امروز نیز مهمان همان خانواده‌ها هستیم. این پیوندها نشان می‌دهد اربعین فقط یک سفر نیست؛ آغاز دوستی‌هایی است که بر پایه محبت اهل‌بیت(ع) شکل می‌گیرد. از مردم عراق، صداقت، اخلاص و خدمت بی‌منت را آموخته‌ام. مردمی که هرچه دارند، با عشق در اختیار زائران می‌گذارند و به انسان یاد می‌دهند که محبت به امام حسین(ع)، مرز، زبان و ملیت نمی‌شناسد.



برمی‌داریم، در حقیقت اعلام می‌کنیم که در این مسیر ایستاده‌ایم و عهد خود را با امام زمان(عج) و آرمان‌های عاشورا حفظ کرده‌ایم.

اگر بخوایم تنها یک درس از عاشورا را انتخاب کنم، آن درس چیزی جز آزادی نیست. امام حسین(ع) در برابر ظلم سکوت نکردند و همین پیام، امروز نیز برای همه انسان‌ها زنده است؛ اینکه انسان در برابر باطل سر تسلیم فرود نیاورد و از حقیقت دفاع کند.

خلوصی که در هیچ جای دنیا نیست

زیباترین صحنه‌ای که در این سال‌ها در مسیر اربعین دیده‌ام، اخلاص مردم

به‌گونه‌ای بود که احتمال می‌دادیم برنامه‌مان لغو شود، اما با خودم عهد کردم امسال به هر شکل ممکن باید بیایم. احساس می‌کردم نباید اجازه بدهم راهی که برای حفظ آن این همه زحمت کشیده شده، بیهوده بماند. شاید حضور ما جبران‌کننده بخشی از آن فداکاری‌ها باشد.

درس آزادی و انتظار

در تمام مسیر، بیش از هر چیز برای مردم کشورم و سربلندی ایران دعا کردم. باور دارم این راه، راه انتظار است؛ راهی که مقصد نهایی آن ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) است. هر قدمی که

سید محمد مشکوٰۃ الممالک

مدیقه دیودار، زائر اربعین از شهرستان لارستان استان فارس، معتقد است اربعین امسال با سال‌های گذشته تفاوتی اساسی داشت؛ سفری که برای او تنها یک زیارت نبود، بلکه ادای دینی به خون شهدا و تجدید عهدی برای ادامه راه حق بود. او می‌گوید با وجود مشکلاتی که نزدیک بود سفرشان را لغو کند، تصمیم گرفت به هر شکل ممکن خود را به جاده نجف تا کربلا برساند.

راهی که نباید خالی بماند

امسال، بیش از هر سال دیگری احساس می‌کردم باید به اربعین بیایم. این سفر را به نیابت از آقای شهیدمان آغاز کردم و قدم‌هایم را برای تعجیل در ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) برداشتم. احساس می‌کنم امروز وظیفه ما سنگین‌تر از گذشته است. اگر ما در این مسیر نباشیم، پس چه کسی باید پرچم این راه را به دوش بکشد؟

اگر امسال توفیق حضور در اربعین را پیدا نمی‌کردم، احساس می‌کردم دین خودمان را به کسی که برای اسلام و مردمش جان داد، ادا نکرده‌ایم. باور دارم اگر مجاهدت‌ها و فداکاری‌های این بزرگان نبود، شاید امروز اصلاً چنین مسیری برای ما وجود نداشت و این امنیت و آرامش را تجربه نمی‌کردیم. حتی چند روز مانده به سفر، شرایط

جاده‌ای که هر سال صدایم می‌زند



قدم‌هایی به نیابت از عزیزان

در طول مسیر، هر کسی که از من خواسته باشد، چند قدمی را به نیابت از او برمی‌دارم. برای دوستان، آشنایان، اموات، مادر مرحومم و همه کسانی که التماس دعا گفته‌اند دعا می‌کنم. شهدای شهر عقدا، شهدای خانواده‌مان و شهیدان گمنام نیز همیشه در یادم هستند و بخشی از این مسیر را به نیت آنان قدم برمی‌دارم. یاد رهبر شهید نیز در دلم زنده است و جمله ماندگار ایشان که فرمودند: «من با شخصی مثل یزید بیعت نمی‌کنم» از سخنانی است که همیشه در ذهنم باقی مانده است. به باور من، منظور ایشان از «مبعوث شدن مردم» همین حضوری است که امروز در جامعه می‌بینیم؛ مردمی که پس از شهادت ایشان، با اتحاد، همدلی و حضور در صحنه نشان دادند همچنان پای آرمان‌های خود ایستاده‌اند و این مسیر را تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهند داد.

پیام اربعین

اگر بخوایم پیام اربعین را در یک جمله بیان کنم، آن پیام چیزی جز اتحاد و همبستگی نیست. مسلمانان باید کنار یکدیگر بایستند، محور وحدتشان امام حسین(ع) باشد و این پیوند را حفظ کنند.

قدم این مسیر، تصویری ماندگار در ذهن انسان می‌سازد. اما شاید زیباترین صحنه، لحظه‌ای باشد که از نجف حرکت می‌کنی و پس از طی این مسیر، وارد بین‌الرحمین می‌شوی. تا قبل از رسیدن، مهمان‌نوازی مردم عراق انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما وقتی به حرم حضرت ابوالفضل(ع) می‌رسی و از ایشان اذن زیارت می‌گیری و بعد راهی حرم سیدالشهدا(ع) می‌شوی، حال و هوای دیگری پیدا می‌کنی. اصلاً نمی‌شود آن احساس را با کلمات توصیف کرد. آدم نمی‌داند چه اتفاقی در وجودش می‌افتد که ناگهان اشک‌ها بی‌اختیار سرازیر می‌شود. این حس را فقط باید تجربه کرد؛ هرچه بگوئیم، باز هم از بیان حقیقتش عاجزیم.

درس اخلاص از مردم عراق

یکی از خاطراتی که همیشه از اربعین در ذهنم مانده، رفتار مردم عراق با زائران است. آن‌ها در طول مسیر منتظرند تا زائران را به خانه‌های خود ببرند. حتی اگر خانه‌ای کوچک داشته باشند، همان را با تمام وجود در اختیار زائر قرار می‌دهند.

هرچه دارند، با اخلاص تقدیم می‌کنند؛ صبحانه، ناهار، شام، جای استراحت، حمام، شستن لباس‌ها و حتی ماساژ دادن پاهای خسته زائران. هیچ توقعی هم ندارند و همه این کارها را با عشق انجام می‌دهند. این میزان از مهمان‌نوازی و خدمت، حقیقتاً انسان را شگفت‌زده می‌کند و نشان می‌دهد خدمت به زائر امام حسین(ع) برای آن‌ها یک افتخار بزرگ است.

سید محمد حسینی / رسول خطیبی، زائر اربعین از روستای عقدا در شهرستان اردکان استان یزد، هفت تا هشت سال است که مهمان جاده نجف تا کربلاست. او معتقد است اربعین تجربه‌ای نیست که بتوان پس از یکبار حضور از آن دل کند؛ سفری که به گفته خودش «آریاب، آدم را دوباره به سمت خودش می‌کشد».

آریاب خودش زائر را می‌طلبد

به گمان من، آرزوی هر ایرانی و هر عاشق اهل‌بیت(ع) این است که روزی این مسیر را طی کند و بارگاه امیرالمؤمنین(ع)، امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) را از نزدیک ببیند. شاید کسی که برای نخستین‌بار عازم اربعین می‌شود، با خودش بگوید می‌روم تا ببینم چه خبر است، اما همین که یکبار قدم در این راه گذاشت، دیگر نمی‌تواند بگوید سال آینده نمی‌آیم.

من هفت، هشت سال است که هر سال توفیق حضور در این مسیر را پیدا می‌کنم. نه به خاطر برنامه‌ریزی خودم، بلکه چون باور دارم این خود آریاب است که زائرش را می‌طلبد. هر وقت قسمت باشد، خودش راه را باز می‌کند و آدم را به این مسیر می‌کشاند.

اگر بخوایم همه احساس خودم را نسبت به امام حسین(ع) در یک جمله خلاصه کنم، فقط می‌توانم بگویم: «عشق امام حسین، عشق است.»

بین‌الرحمین؛ جایی که اشک‌ها بی‌اختیار جاری می‌شود

اگر قرار باشد تصویری از اربعین برای مردم دنیا ترسیم کنم، انتخابش واقعاً سخت است؛ چون هر



عطش‌نگاه

اربعین؛ همدردی با کاروان اهل بیت



درس ایثار از مردم عراق

یکی از زیباترین جلوه‌های اربعین، محبت و ایثار مردم عراق است. همیشه به خانواده و دوستانم می‌گویم باید این مسیر را از نزدیک ببینند تا عشق و اخلاص این مردم را باور کنند. از کودک خردسالی که بطری آب یا دستمال کاغذی در دست گرفته تا پیرمرد و پیرزنی که تمام دارایی خود را برای پذیرایی از زائران خرج می‌کنند، همه تنها یک آرزو دارند؛ خدمت به زائر امام حسین(ع).

از مردم عراق یاد گرفتم که وقتی پای امام حسین(ع) و اهل‌بیت(ع) در میان باشد، همه سختی‌ها و رنج‌ها فراموش می‌شود. با وجود سال‌ها جنگ، ناامنی و مشکلات، با تمام وجود به زائران خدمت می‌کنند و این فرهنگ ایثار را به دیگران می‌آموزند. امیدوارم ما نیز بتوانیم رهرو همین فرهنگ باشیم. اربعین امسال برای من با سال‌های گذشته تفاوت داشت. اگرچه دل‌هایمان داغدار رهبر شهید و فرماندهان شهید بود، اما احساس می‌کردم خون این عزیزان، برکت ویژه‌ای به این سفر داده است. بسیاری از زائرانی که در سال‌های گذشته به سختی این مسیر را طی می‌کردند، امسال با روحیه و توان بیشتری قدم برداشتند. به باور من، این آرامش و گشایش، از برکت خون شهید بود و همه قدم‌هایمان را نذر آنان کردیم.

به اعتقاد من، سخن رهبر شهید درباره «مبعوث شدن مردم» یعنی مردمی که آگاهانه در صحنه بمانند و از آرمان‌های خود دفاع کنند. اگر مردم پای کار باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آن‌ها را شکست دهد. همان مردمی که امروز در کنار انقلاب و مقاومت ایستاده‌اند، فردا نیز زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت ولی‌عصر(عج) خواهند بود. در پایان نیز تنها دایم این است که خداوند عاقبت همه ما را شهادت در رکاب امام زمان(عج) قرار دهد و توفیق ادامه این مسیر نورانی را از ما نکیرد.

سینا بدیعی / جواد خسروی از شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان، شش تا هفت بار توفیق حضور در پیاده‌روی اربعین را داشته است. او معتقد است این سفر، تنها یک زیارت نیست؛ بلکه فرصتی برای همدردی با رنج‌های اهل‌بیت(ع)، تجدید بیعت با آرمان‌های عاشورا و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) است.

هم‌قدم با کاروان کربلا!

حدود شش یا هفت بار است که به همراه دوستانم در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنم. هر بار که قدم در این مسیر می‌گذارم، احساس می‌کنم دعوت از جانب خود امام حسین(ع) بوده است؛ وگرنه ما کجا و این سفر خوبان کجا.

دلیل آمدنم این است که شاید بتوانیم گوشه‌ای از رنج و مصیبتی را که اهل‌بیت(ع) در این مسیر تحمل کردند، درک کنیم و خودمان را همدرد آن بزرگواران بدانیم. اربعین برای من فقط یک سفر نیست، بلکه مدرسه‌ای برای شناخت حقیقت عاشورا است. پیام اربعین برای مردم دنیا همان پیام جاودانه امام حسین(ع) است؛ «هیئات من‌الذله». امروز میلیون‌ها زائر از سراسر جهان این پیام را به جهانیان مخابره می‌کنند که هرگز زیر بار ظلم و زور نخواهند رفت. ما نیز به تبعیت از رهبر شهیدمان همین راه را ادامه می‌دهیم؛ شاید سرمان برود، اما عزت و آزادی را معامله نخواهیم کرد. امسال قدم‌هایمان را به نیابت از رهبر شهید، فرماندهان شهید، رزمندگانی که از مرزهای کشور دفاع می‌کنند و همچنین برای تعجیل در فرج حضرت حجت(عج) برداشتم. جمله‌ای که همیشه از رهبر شهید در ذهنم مانده، همان کلام الهام‌گرفته از عاشورا است که «مثل من با مثل یزید بیعت نخواهد کرد» و ما نیز خود را موظف می‌دانیم همین راه را ادامه دهیم.

عطش‌یار

عشقی که ترس را از میان برداشت

با عشق و اشتیاق به سمت کربلا حرکت می‌کردند. همین صحنه‌ها نشان می‌دهد عشق به سیدالشهدا(ع) خستگی را از یاد انسان می‌برد. بزرگ‌ترین درس عاشورا هم برای من آزادی است؛ اینکه هیچ‌گاه زیر بار ظلم و زور نرویم و برای حفظ عزت و دین، از هیچ فداکاری دریغ نکنیم.

آنچه از عراقی‌ها آموختم

زیباترین لحظه این سفر، نخستین نگاه به حرم امام حسین(ع) بود؛ لحظه‌ای که حس کردم تمام خستگی‌های مسیر از بین رفت و همان‌جا با خودم عهد کردم اگر خداوند عمری بدهد، هر سال در این پیاده‌روی شرکت کنم. رفتار مردم عراق نیز برایم درس بزرگی بود. خدامان با تمام وجود به زائران خدمت می‌کنند تا هر کسی با خاطره‌ای خوش از این سرزمین بازگردد. از آنها یاد گرفتم اگر نعمتی در اختیار داریم، در کمک به دیگران کوتاهی نکنم و هرچه دارم، با اخلاص در راه خدا و خدمت به مردم خرج کنم.

ثواب قدم‌هایمان را به همه شهدا، به‌ویژه حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی هدیه می‌کنم. باور دارم اگر امروز با امنیت در این مسیر قدم برمی‌داریم، حاصل ایثار و ازخودگذشتگی مردانی است که جان خود را برای عزت و آرامش این ملت فدا کردند.

محمد علی شکوهی / مرجان تبادار، زائر اولی از شهرستان بهبهان در استان خوزستان، با وجود هشدارها و نگرانی‌ها درباره شرایط سفر، نخستین حضور خود در پیاده‌روی اربعین را تجربه کرد. او می‌گوید عشق به امام حسین(ع) آن‌قدر در دلش ریشه داشت که هیچ سختی و تهدیدی نتوانست مانع قدم گذاشتنش در مسیر نجف تا کربلا شود.

اگر نمی‌آمد، خودم را گم می‌کردم

سال‌ها آرزو داشتم به دیدار امام حسین(ع) بپیایم و امسال خدا این توفیق را نصیبم کرد. خیلی‌ها می‌گفتند شرایط سخت است، مرزها ناامن شده و شاید اتفاقی بیفتد، اما وقتی به عشق امام حسین(ع) قدم برداشتم، دیگر تصمیمم عوض نشد. برای من آمدن به این مسیر یک انتخاب نبود؛ یک عهد بود. اگر نمی‌آمد، احساس می‌کردم بخش مهمی از وجودم را از دست داده‌ام. انگار خودم را گم کرده باشم. اگر امروز امام حسین(ع) را روبه‌رویم ببینم، فقط می‌گویم سال‌ها عاشق دیدارتان بودم و خدا را شکر که سعادت آمدن به این مسیر را نصیبم کرد. آرزویم این است که اگر روزی لازم باشد، جانم را هم در راه اسلام فدا کنم؛ چرا که شهادت را افتخار می‌دانم.

در طول مسیر، زائرانی را دیدم که با پاهای تاول‌زده و بدن‌های خسته، اما



عطش نکته

عطش چراغ

از حسین تا پیوند دل‌ها

روایتی از محبت مردم عراق و امتداد مکتب مقاومت



که بی‌تکلف گشوده می‌شوند و دل‌هایی که خانه خود را در اختیار زائر قرار می‌دهند، همه بخشی از روایتی بزرگ‌اند؛ روایت عشقی که از کربلا آغاز شده و قرن‌هاست در جان مردم امتداد یافته است.

در میان این همه شور و خدمت، گفت‌وگو با مردم عراق، به‌ویژه زنان عراقی، لایه دیگری از این روایت را آشکار می‌کند. در بسیاری از این گفت‌وگوها، نشانه‌هایی از اندوه و سوگواری برای رهبر شهید ایران دیده می‌شد. برخی از آنان از پیوند عاطفی خود با ایشان سخن گفتند و اربعین امسال را نه‌تنها موسم عزاداری برای حسین(ع)، بلکه فرصتی برای یادکردن از «قائد شهید» نیز می‌دانند.

در لابه‌لای این گفت‌وگوها، نام مجتبی خامنه‌ای رهبر عزیز ایران را بارها با تعبیر «محبت‌آمیز» (نورالعین) به زبان آوردند؛ تعبیری که در زبان آنان تنها یک واژه نیست، بلکه نشانه‌ای از امید، دل‌بستگی و نگاه به استمرار راهی است که آن را با مقاومت و آرمان‌های حسینی پیوند می‌دهند.

اما این عشق و این همدلی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ آیا جز این است که اربعین، مرزهای جغرافیا، زبان و قومیت را درمی‌نوردد و انسان‌ها را گرد یک حقیقت مشترک جمع می‌کند؟ جز این است که رهبر شهید ایران بارها و بارها از حمایت جبهه مقاومت سخن می‌گفتند و همواره از حق مظلومان جهان دفاع کردند.

شاید راز این محبت عمیق نیز همین باشد؛ اینکه مردم ایران و عراق در مسیر اربعین، تنها هم‌سفر نشده‌اند، بلکه سال‌هاست هم‌دل شده‌اند. هم‌زیستی در این مسیر، پیوندی ساخته که فراتر از روابط رسمی و سیاسی، در جان و احساس مردم جای گرفته است.

در این میان، مکتب مقاومت برای بسیاری از مردم، امتداد همان پیام عاشوراست؛ پیامی که بر عزت، ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از مظلوم تأکید دارد.

عفت فلاح / در روزهایی که مردم عراق عاشقانه در حال میزبانی از میلیون‌ها زائر اربعین حسینی هستند، کوچه‌ها و خیابان‌ها، موبک‌ها و جاده‌های منتهی به کربلا، رنگ و بوی دیگری گرفته‌است. شور و شوق رسیدن و در کنار ازدحام جمعیت که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و صدای «لبیک یا حسین» که در مسیرها می‌پیچد و دل‌های عاشقی که از سرزمین‌های گوناگون، زیر یک پرچم به هم گره می‌خورند.

در میان این شور عظیم، نشانه‌هایی از محبتی عمیق و پیوندی قلبی دیده می‌شود؛ پیوندی که در سال‌های گذشته، در سایه اربعین حسینی و فرهنگ برخاسته از مکتب مقاومت، میان مردم ایران و عراق ریشه دوانده و هر سال، گسترده‌تر، عمیق‌تر و استوارتر شده است. نصب بنر ها و پوستر ها و تصاویر رهبر شهید ایران با مضمون قوموا لله در تمام مسیر های عراق گواه همین مدعا است. گویی اربعین، تنها راهی به سوی کربلا نیست؛ راهی است که دل‌ها را به یکدیگر می‌رساند و مرزها را در برابر عظمت یک عشق مشترک، کمرنگ می‌کند.

زنان و مردان، کودکان و نوجوانان عراقی پیش از این در مراسم تشیع میلیونی آقای شهید ایران ارادت و دل‌بستگی خود را به ایشان نشان داده اند؛ ارادتی که در روایت بسیاری از آنان، فراتر از علاقه به یک شخصیت سیاسی است و با مفاهیمی چون مقاومت، ایستادگی، عزت و دفاع از مظلوم گره خورده است.

اربعین حسینی و مکتب مقاومت، در سال‌های گذشته، این پیوند را استوارتر کرده‌اند؛ پیوندی که تنها در واژه‌ها و شعارها باقی نمانده، بلکه در روایت‌های مردمی، آیین‌های سوگواری و حضور پررنگ مردم در شهرهای مختلف عراق بازتاب یافته است.

در این مسیر، خستگی معنای دیگری پیدا می‌کند. میزبان عراقی، خدمت به زائر حسین(ع) را نه وظیفه، که افتخار می‌داند؛ افتخاری که هیچ دشواری و بی‌خوابی، از شیرینی آن نمی‌کاهد. دست‌های کوچک و بزرگی که آب تعارف می‌کنند، سفره‌هایی

برکت در مسیر حسین(ع)

آنها خدمت به زائر را افتخار می‌دانند و باور دارند هرچه دارند، به برکت سیدالشهدا(ع) است.

مدرسه‌ای به وسعت اربعین

اربعین را نمی‌توان فقط از یک زاویه دید. این حرکت، ابعاد اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد. در این مسیر میلیون‌ها زائر بدون هیچ چشمداشتی پذیرایی می‌شوند؛ اتفاقی که در هیچ نقطه دیگری از دنیا نمونه‌ای برای آن نمی‌توان یافت.

همین حضور میلیونی و این حجم از خدمت‌رسانی، نشان می‌دهد اربعین صرفاً یک مراسم مذهبی نیست؛ بلکه بزرگ‌ترین جلوه همدلی و ایثار در جهان است.

درس مردم عراق

از مردم عراق، غیرت، محبت و احترام به زائران امام حسین(ع) را یاد گرفته‌ام. آنها با وجود تفاوت‌های قومی و مذهبی، در ایام اربعین یکدل می‌شوند و همه توان خود را برای خدمت به زائران به میدان می‌آورند. بارها دیده‌ام که خادمان عراقی با نهایت احترام با زائران برخورد می‌کنند و خدمت به آنان را عبادت می‌دانند.

هرچه داریم از شهداست

شهدا به ما آموختند که برای دفاع از حقیقت باید از خود گذشت. آنان تنها جانشان را ندادند، بلکه از همه دنیای خود گذشتند تا مکتب اهل‌بیت(ع) زنده بماند. امنیت، پیشرفت و آرامش امروز کشور، حاصل همان ایثارهاست و ما هرچه داریم، مدیون شهدا هستیم.

مبعوث شدن مردم

رهبر انقلاب بارها بر مقاومت تأکید کرده‌اند و معتقدند رمز موفقیت ملت ایران نیز همین ایستادگی است. وقتی از «مبعوث شدن مردم» سخن گفته شد، مصداق آن را در حضور مردم در صحنه دیدیم؛ مردمی که با وجود همه فشارها، پشت انقلاب و آرمان‌هایشان ایستادند و اجازه ندادند دشمن به اهدافش برسد.

دعایی برای عاقبت‌بخیری

دعا می‌کنم خداوند همه ما را عاقبت‌به‌خیر کند و زیر دین شهدا نمانیم. اگر لیاقت شهادت نصیبمان نشد، دست‌کم بتوانیم راه آنان را ادامه دهیم و با سربلندی از این دنیا برویم.

مهدی منتظری / حسن بایرام‌پور، زائر اهل تبریز، هفتمین حضور خود در پیاده‌روی اربعین را تجربه می‌کند. او معتقد است برکت زندگی‌اش را از امام حسین(ع) گرفته و اربعین را تنها یک سفر زیارتی نمی‌داند، بلکه مدرسه‌ای برای ایمان، وحدت، ایثار و شناخت حقیقت می‌خواند.

اربعین؛ آغاز برکت زندگی

چند سالی به دلیل شرایط مختلف نتوانستم به اربعین بیایم و همان سال‌ها احساس کردم زندگی‌ام دیگر آن رونق و برکتی را که همیشه داشت، ندارد. این یک تجربه شخصی برای من بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم هر طور شده، حتی اگر لازم باشد قرض کنم، خودم را به این مسیر برسانم. باور دارم امام حسین(ع) هیچ‌وقت زائرش را زیر بار دین کسی نمی‌گذارد و به زندگی، خانواده و روزی انسان برکت می‌دهد.

اربعین با هیچ سفر دیگری قابل مقایسه نیست. اینجا انسان احساس می‌کند در میهمانی ویژه خدا حضور دارد. هر چه در زندگی خواسته‌ام؛ از ازدواج و خانه گرفته تا آرامش و گره‌های زندگی، به برکت توسل به امام حسین(ع) نصیبم شده است.

زیر یک پرچم

پیام اربعین برای دنیا، وحدت است. دشمنان تلاش می‌کنند مسلمانان را از دین و اهل‌بیت(ع) دور کنند، اما اربعین همه را زیر یک پرچم جمع می‌کند؛ شیعه و سنی، ایرانی و عراقی و زائرانی از کشورهای مختلف. این اجتماع نشان می‌دهد امت اسلامی با وجود همه تفاوت‌ها، می‌تواند یک ملت واحد باشد.

همان‌نوازی

که فراموش نمی‌شود

خاطرات من از مردم عراق تمام‌شدنی نیست. در نخستین سفر، خودرویمان دچار مشکل شد. یکی از اهالی عراق اجازه نداد در مسیر بمانیم. ماشین را در جای امنی گذاشت، چند خودرو برای جابه‌جایی خانواده‌ها فراهم کرد و همه ما را به خانه‌اش برد. از آن روز تاکنون هر سال با ما در ارتباط است و هر بار که به کربلا می‌آییم، خودش به استقبالمان می‌آید. این محبت‌ها از عشق مردم عراق به امام حسین(ع) سرچشمه می‌گیرد.

مدیرمسئول: علی حیدری / سردبیر: رسول شادماتی
اعضای تحریریه: سید محمد مشکات الممالک، عفت فلاح
با تشکر از: یونس فتاحی، سید محمد میرزاجانی، مهدی لطفی،
نعیم برقی، یونس اسدی



نشریه الکترونیکی عطش
صاحب امتیاز: موبک فرهنگی رسانه‌ای عطش